نماد گرایی در حوزه شعر سپید مقاومت

بخشوده، حبیب الله

نویسنده در نوشتار زیر تلاش می‏کند تأثیر نمادها را در برون رفت شعر از حصار شعارها، نشان دهد. وی محمل رویکرد خویش را «شعر سپید مقاومت» انتخاب می‏کند و نمونه‏هایی را به عنوان پشتوانه استدلال می‏آورد. «مقاومت» در عنوان نوشته، اشاره به دوران جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق به ایران اسلامی دارد.

یادآوری این نکته لازم است که نویسنده محترم بیشتر به کلیات بحث اکتفا می‏کند و با احتیاط تمام به حوزه عملکردی ورود دارد به این سبب، بحث تا حد زیادی جنبه انتزاعی به خود گرفته است.

ء حوزه تمثیلی شعر پایداری، آنگاه که عناصر نمادین خود را از محیط وام می‏گیرد به تقویت و گسترش هرچه بیشتر عنصر خیال می‏پردازد و کلام را از سطح نازل نثر به سطح عالی شعر بالا می‏برد. در این میان تمثیل‏های آیینی و تاریخی در غنای اندیشه و پیوند آنها با ملیت و دین موءثرتر عمل کرده‏اند.

ء در شعر دفاع مقدس، هم نمادهای عمومی و تکراری و هم نمادهای خصوصی حضور دارند و شاعران بسته به توانایی و قدرت تخیل خود از استخدام و به کارگیری اقسام نمادها بهره برده‏اند. نمادهای ویژه در شعر شاعرانی مانند محمدرضا عبدالملکیان، عبدالرض رضایی‏نیا، یوسفعلی میرشکاک، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، طاهره صفارزاده و علی موسوی گرمارودی چشمگیرتر و از کارایی بهتری برخوردارند.

ء بیشترین تأثیر پذیری در شعر دفاع مقدس از وقایع تاریخی و کشتار مسلمانان در قرن ا خیر است.

این شاعران نمادهای آثار خود را بویژه از حادثه اشغال فلسطین و پیامدهای آن برگزیده‏اند.

نمادها، همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویر آفرینی، نقشی عمیق داشته‏اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی سبب شده است تا در سازو کار سرایندگی، به شکلی کارآمد مورد توجه قرار گیرند. شعر سپید پایداری نیز برای رهایی از ورطه تاریک و ناپیدای شعارزدگی، راهی جز تمسک به نمادهای گوناگون نیافت و به این ترتیب با به کارگیری نمادها، تداعی‏های پررمز و رازی را در حوزه‏های تمثیلی با زمینه‏های فرهنگی، آیینی و تاریخی ایجاد کرد و به شیوه سمبولیک نزدیک و نزدیک‏تر شد.

حوزه تمثیلی شعر پایداری، آنگاه که عناصر نمادین خود را از محیط وام می‏گیرد به تقویت و گسترش هرچه بیشتر عنصر خیال می‏پردازد و کلام را از سطح نازل نثر به سطح عالی، شعر ارتقاء می‏بخشد. در این میان، تمثیل‏های آیینی و تاریخی در غنای اندیشه شاعران و پیوند آنها با ملیت و دین موءثرتر بوده‏اند و سرایندگان توانسته‏اند الگوهای دیروزین تاریخ و دین را با واقعیت‏های امروزین جنگ پیوند زنند.

نمادهای دینی به لحاظ ماهیت مذهبی انقلاب و تأکید شاعران بر محتوای غنی فرهنگ اسلامی نسبت به نمادهای حماسی، نمود بیشتری دارند. در ضمن شاعران در پرداختن به این گونه نمادها وجه تحریکی و تشجیعی آنها را همواره مدنظر داشته‏اند.

در سروده‏ای که در ادامه این مبحث می‏آید همدستی نمادهای دینی، عرفانی، تاریخی و ادبی، شعر را به شیوه‏ای سمبولیک با زنجیره‏ای از تداعی‏های معهود از سطح شعار صرف بالاتر برد، موجب فخامت کلام شده است و زمینه‏ای مبالغه‏آمیز را در مصراع‏هایی چون:

از گلوی اسماعیل

نامت سر ستیغ عشق

بر کدامین رفیع

خیمه زده است

که ققنوس

در سایه‏سارت آسوده است؟

و خون عاشق تو

در کد ام عاشورا

در آرزوی کدامین وصال

این چنین به سجده نشست

که بر صلای «هَل مِن» مولا

حریر پاسخ تو

عاشقانه پیچیده است.(1)

تهاجم لشکر متجاوز بعث و قتل و غارت مردم بی‏گناه در روزگار ما، چیزی کمتر از حملات تاریخی و بی‏رحمانه مغول نیست.این تجاوز آشکار، ابعاد عمیق جنایت ایلچیان تموچین را فرا یاد می‏آورد. در شعر زیر، تیمور ترنج؛ شاعر سپیدگوی جنوبی سمبل‏های تاریخی تجاوز را با نمونه‏های امروزین آن برابر می‏داند و حمایت کهن را دیگربار روایت می‏کند.

بر دروازه‏های خونین شهر

ایلچیان

شمشیرهای خونچکان را

صیقل می‏دهند

و یاسای چنگیزی را تکرار می‏کنند

در پستوی تاریک

دختران

مهتاب رخساره‏هایشان را

در خسوفی تاریک

شکار می‏کنند

بر دروازه‏های خونین شهر

ایلچیان

سربداران را بر دار می‏کنند.

زمینه‏های پیدایش نمادها و سمبول‏ها در شعرهای دفاع مقدس متعدد است. یکی از عوامل ایجاد آن در شعر دفاع مقدس، خصلت ذاتی سمبول است. سمبول‏ها هنگامی در شعر به وجود می‏آیند که ما به دنبال تیپسازی باشیم. به این معنا که، چون سمبول‏ها نماینده تلویحی و بلافصل معانی و اشیاء متعددند می‏توانند معرف گروه یا تیپ ویژه، یا معانی مبهم، ناشناخته و انتزاعی باشند. «چون اشیاء بی‏شماری در ورای فهم انسان قرار دارند، ما پیوسته اصطلاحات سمبولیک را به کار می‏بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‏توانیم تعریف کنیم یا کاملاً آنرا بفهمیم. این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبولیک به کار می‏برند.(2)» مفاهیمی از قبیل: شهادت،نمادگرایی در حوزه شعر سپید مقاومت

ء حبیب‏الله بخشوده

نمادها، همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویر آفرینی، نقشی عمیق داشته‏اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی سبب شده است تا در سازو کار سرایندگی، به شکلی کارآمد مورد توجه قرار گیرند. شعر سپید پایداری نیز برای رهایی از ورطه تاریک و ناپیدای شعارزدگی، راهی جز تمسک به نمادهای گوناگون نیافت و به این ترتیب با به کارگیری نمادها، تداعی‏های پررمز و رازی را در حوزه‏های تمثیلی با زمینه‏های فرهنگی، آیینی و تاریخی ایجاد کرد و به شیوه سمبولیک نزدیک و نزدیک‏تر شد.

حوزه تمثیلی شعر پایداری، آنگاه که عناصر نمادین خود را از محیط وام می‏گیرد به تقویت و گسترش هرچه بیشتر عنصر خیال می‏پردازد و کلام را از سطح نازل نثر به سطح عالی، شعر ارتقاء می‏بخشد. در این میان، تمثیل‏های آیینی و تاریخی در غنای اندیشه شاعران و پیوند آنها با ملیت و دین موءثرتر بوده‏اند و سرایندگان توانسته‏اند الگوهای دیروزین تاریخ و دین را با واقعیت‏های امروزین جنگ پیوند زنند.

نمادهای دینی به لحاظ ماهیت مذهبی انقلاب و تأکید شاعران بر محتوای غنی فرهنگ اسلامی نسبت به نمادهای حماسی، نمود بیشتری دارند. در ضمن شاعران در پرداختن به این گونه نمادها وجه تحریکی و تشجیعی آنها را همواره مدنظر داشته‏اند.

در سروده‏ای که در ادامه این مبحث می‏آید همدستی نمادهای دینی، عرفانی، تاریخی و ادبی، شعر را به شیوه‏ای سمبولیک با زنجیره‏ای از تداعی‏های معهود از سطح شعار صرف بالاتر برد، موجب فخامت کلام شده است و زمینه‏ای مبالغه‏آمیز را در مصراع‏هایی چون:

از گلوی اسماعیل

نامت سر ستیغ عشق

بر کدامین رفیع

خیمه زده است

که ققنوس

در سایه‏سارت آسوده است؟

و خون عاشق تو

در کد ام عاشورا

در آرزوی کدامین وصال

این چنین به سجده نشست

که بر صلای «هَل مِن» مولا

حریر پاسخ تو

عاشقانه پیچیده است.(1)

تهاجم لشکر متجاوز بعث و قتل و غارت مردم بی‏گناه در روزگار ما، چیزی کمتر از حملات تاریخی و بی‏رحمانه مغول نیست.این تجاوز آشکار، ابعاد عمیق جنایت ایلچیان تموچین را فرا یاد می‏آورد. در شعر زیر، تیمور ترنج؛ شاعر سپیدگوی جنوبی سمبل‏های تاریخی تجاوز را با نمونه‏های امروزین آن برابر می‏داند و حمایت کهن را دیگربار روایت می‏کند.

بر دروازه‏های خونین شهر

ایلچیان

شمشیرهای خونچکان را

صیقل می‏دهند

و یاسای چنگیزی را تکرار می‏کنند

در پستوی تاریک

دختران

مهتاب رخساره‏هایشان را

در خسوفی تاریک

شکار می‏کنند

بر دروازه‏های خونین شهر

ایلچیان

سربداران را بر دار می‏کنند.

زمینه‏های پیدایش نمادها و سمبول‏ها در شعرهای دفاع مقدس متعدد است. یکی از عوامل ایجاد آن در شعر دفاع مقدس، خصلت ذاتی سمبول است. سمبول‏ها هنگامی در شعر به وجود می‏آیند که ما به دنبال تیپسازی باشیم. به این معنا که، چون سمبول‏ها نماینده تلویحی و بلافصل معانی و اشیاء متعددند می‏توانند معرف گروه یا تیپ ویژه، یا معانی مبهم، ناشناخته و انتزاعی باشند. «چون اشیاء بی‏شماری در ورای فهم انسان قرار دارند، ما پیوسته اصطلاحات سمبولیک را به کار می‏بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‏توانیم تعریف کنیم یا کاملاً آنرا بفهمیم. این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبولیک به کار می‏برند.(2)» مفاهیمی از قبیل: شهادت، شهید، روح و... که به نحوی جنبه اشراقی و تجریدی آنها بر جنبه‏های مادی‏شان می‏چربد و دیگر خصایص آیینی، و فلسفه مذهبی حاکم بر تفکر شاعران همه و همه از عوامل وجودی پیدایش کلام سمبولیک و نمادین شعر دفاع مقدس است.

ضرورت دیگری که در شعر جنگ موجب شد تا سرایندگان مفاهیم نمادین را در سروده‏هایشان بیشتر کنند، جنبه زیبایی شناسی کلام و ارزش هنری آن بود. چرا که شعر جنگ در سال‏های نخستین به ورطه شعار و کم‏رنگی خیال، سقوط کرده بود و ثقالت معنا و محتوای عمیق آن در ظرف کم حجم و بی‏ژرفای کلام شاعران، نمی‏گنجید. تدبیر تازه سرایندگان شعر دفاع مقدس، بالاخص در قوالب نو اعم از نیمایی و سپید، ارتقاء کلام به سمت افق‏های تخیل بود و یکی از راههای پیدایش و تثبیت و رواج خیال شاعرانه، کاربرد کلام نمادین و پر رمز و راز در شعر است. نمادها در دایره تکوینی خود، چیزی فراتر از یک واژه نیستند اما می‏توانند با یافته‏های متعدد علوم ادبی و حتی غیرادبی نظیر اساطیر، تمثیل و حتی استعاره رابطه‏ای معنایی و کاربردی، برقرار سازند. اسطوره‏ها و تمثیل‏ها در تفسیرپذیری و تأویل شدن خصلتی نمادگون دارند.

در شعر دفاع مقدس، هم نمادهای عمومی و تکراری و هم سمبل‏های خصوصی حضور دارند و شاعران بسته به توانایی و قدرت تخیل خود، از استخدام و به کارگیری اقسام گوناگون نمادها بهره‏برده‏اند. سمبل‏های ویژه در شعر شاعرانی چون محمدرضا عبدالملکیان، عبدالرضا رضایی‏نیا، یوسفعلی میرشکاک، سید حسن حسینی، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، طاهره صفارزاده، م.موءید، علی موسوی گرمارودی و شاعران جوانتری که بعدها به کاروان شعر دفاع مقدس ملحق شدند، چشمگیرتر و از کارایی بیشتر و بهتری برخوردارند. در بخشی از شعر «فرشته بفرستید» سروده عبدالرضا رضایی‏نیا،سراینده ضمن توصیف جنگ سعی بر استخدام تفکر عرفانی وصال به محبوب و بسط رمزگرایی اندیشه شهادت‏طلبی داشته است.

محاصره‏ایم فرشته بفرستید

خاکریزها

عاشقانه

به سجده می‏روند

و شتک خون بر روءیا

از پلک در می‏گذرد

و انفجار موج

در اضطراب نفس

از قلب

حرامیان به هدف نمی‏زنند

ابلهان راه گشوده‏اند

التماس بی‏سیم‏ها و

بالا بلندان آسمان!

چرا فرشته‏ها نمی‏رسند

کولاک

بربارش بهت

نوعروسان ایستاده‏اند

با تردید لبخندی پریده رنگ

در آستانه شبنم

رضایی‏نیا در این شعر با بهره‏گیری از کهن الگوی فرشته، در ابتدای شعر و بسط شاعرانه تفکر پیدایش انسان، که در روایتی قرآنی آن، با سجده آدم بر پروردگار جهانیان گره خورده، می‏خواهد اخلاص عاشقانه رزمندگان را با کلامی نمادین به طور تلویحی به تصویر بکشد. این بار خاکریزها به سجده می‏روند و خاکریزها خودنماد آدمند، نماد تواضع و نجابتی که در بارگاه محبوب به خاک می‏افتد. لفظ خاکریزها علاوه بر خاکساری و تقرب فروتنانه به محبوب، نشانگر کثرت شهادت‏طلبان و خاکساران است. خاک در تفکر عرفانی نیز جایگاهی والا دارد و در تفکر قدما همراه با باد و آتش و آب عناصر چهارگانه هستی‏اند. سیالیت و شکل‏پذیری آب نیز می‏تواند، رمزهای پیدا و پنهانی از حرکت و انعطاف باشد. مولانا در غزلی زیبا، پیوندی رمزآلود بین خاک، گندم، مستی، می و مرگ ایجاد می‏کند که در جای خود می‏تواند مرتبه فناء فی‏الله و بقای بالله را نمایان سازد، ابیاتی از این غزل در ادامه می‏آید.

ز خاک من اگر گندم برآید

از آن گر نان پزی مستی فزاید

مرا حق از می عشق آفریده‏ست

همان عشقم اگر مرگم بساید

منم مستی و اصل من می عشق

بگو از می به جز مستی چه آید (3)

قلمرو نمادگرایی در شعر جنگ، متفاوت و متنوع است. گاه نمادها از طبیعت اطراف انتخاب شده‏اند و پنجره‏ای از محیط پیرامون را فراروی آدمی می‏گشایند. این نمادها در بیشتر موارد با حساسیت خاص استخدام شده‏اند، اگر چه در یک بعد خود وابسته به محیطاند، اما در بعد دیگر خود، با دیگر مفاهیم، همانند مفاهیم عرفانی، آسمانی و مقدس ارتباط برقرار می‏کنند. از این دست از نمادها، می‏توان به نمادهایی چون: ستاره، یاخیل ستارگان که نماد، رزمنده یا رزمندگانی هستند که با سلطه گسترده ظلمت مبارزه می‏کنند. شهاب با همان کاربرد، یا بار واژگان و مفهومی که می‏تواند تسریع در شهادت و شتاب در وصال به محبوب را به مخاطب منعکس کند. مفهوم نمادین نور هم که در آیین زردشت و اسلام سابقه‏ای ازلی دارد می‏تواند جنبه خداگونگی و سرشت الهی و آسمانی انسان (رزمنده) را بیان کند.

نمادها در گستره‏های دیگری هم به ظهور و بروز می‏رسند که تازه‏تر و امروزی‏تر از قلمروهای آیینی یا عرفانی‏اند. مثلاً قلمروهای جغرافیایی، می‏توانند اشیاء محیط خود را در اذهان شاعران مجسم سازند و در کار سرایش در ناخودآگاه سرایندگان جلوه نمایند. چنانچه درخت‏های خرما (نمادی از مقاومت و ایثارند) که فضای جنوب و گرمای آنرا نیز به اذهان متبادر می‏کند. بلوط با ریشه کهنسال خود نیز می‏تواند نماد برای صبر و ایثار اهالی غرب کشور باشد. گاه خود شهرها، قصبه‏ها، رودها و کوهها می‏توانند سمبل‏هایی تازه در شعر بیافریند. چنان که نام حلبچه ما را به یاد مظلومیت و کشتار بی‏رحمانه می‏اندازد. شلمچه، خاطره مفقودالاثرها و کارون، لالایی مادران جنوبی را در ما زنده کند. نمادها در قلمرو دیگری از شعر جنگ نیز، حضوری چشمگیر دارند. چنان که این حضور را می‏توان جدا از حس و عاطفه شاعرانه، تصویری از وقایع جهانی و متأثر از رویدادها و سیل ترجمه‏های پس از جنگ دانست. در این میان سهم شاعران عرب زبانی، نظیر سمیح‏القاسم، محمود درویش، محمد الماغوط، جواد جمیل. و شاعران کرد زبانی دیگری چون عبدالله پشیو، شیرکو بی‏کس، لطیف هلمت و شاعران دیگر ممالک چون، پابلو نرودای شیلیایی، یانیس ریتسوس یونانی، والت و یتمن آمریکایی، لویی آراگون فرانسوی، بیشتر از دیگر سرایندگان است.

گاهی سرایندگان به منظور همدردی با دیگر اقوام واحساس درد مشترک بشری نمادهایی فراتر از جغرافیای وطن خلق می‏کنند و با احساس واحدی با دیگر ملل جهان سمبول‏های امروزین و دیروزین جهانی را در شعر خود به کار می‏برند، تا مرزهای بسته شدن را بشکنند و درد مشترک را فریاد زنند. در بخش نخستین شعر سپید «ای کاش» سروده علی موسوی گرمارودی مفهوم رنج، حرمان و بردگی را از نماد جهانی آفریقا می‏توان دریافت کرد.

چه خوب بود:

سپیده نیز می‏گریست

تا از بار دل ابر

آگاه می‏شد

سنگینی تمام شب‏های آفریقا

برگرده‏ی من است (4)

در شعر «پرواز 655» که در آن سراینده، روایتگر سقوط هواپیمای مسافربری ایران به دست نیروی دریایی آمریکاست. روایات قرآنی و تاریخی و نمادهای جهانی با نمادهای وطنی آمیزه‏ای از حس مشترک شهادت مظلومانه انسان‏ها را در ایران، آفریقای جنوبی و ویتنام، رقم می‏زنند و شعر به صورت سروده‏ای تصویری با بار عاطفی بیشتری به انجام می‏رسد.

در قلب سرسبزم

فرود آمد

همراه شکیبایان است

و من که چنین ساخته شده‏ام که از

شدت دوست داشتن

او را می‏پرستم

شکیبا شدم

روایت درستی است این که

برادرم

از بلندی

به پستی آمد

درمراتع سوخته و داغ قلب برادرم

که از بلندی

به پستی آمد

و ساکن ایالات متحده‏ی آمریکا شد

و چنین ساخته شد

که از شدت نفرت

خود را

می‏پرستد

شبنم

نمی‏نشیند

ریشه‏های پایای التفات به شاخه‏ی گل لبخند

بر آن و ناب واستوار

شنوای غرش‏های سهمگین

زمینه‏ی آبی و گسترده و کهکشانی

چمشه‏ساران اشک

«کیپ تاون»

راه‏آهن می‏کشد

لذت هماهنگ

خانواده‏ام را

در روستای خفته‏ام

«می‏لای»

سر می‏برند

و رشد بورس هماهنگ

طرح مزارع سوخته

گورستان‏های دسته جمعی

تجاوز به زنان باردار بستان

و مرزهای کنترل شده را

برنامه‏ریزی می‏کنند

و نام برادرم قابیل

بر قطعات خیس

شهدای خیس

به وضوح خوانده می‏شود

یادواره‏ی لبخند کودکان معصوم

ادامه دارد

جست و جو برای یافتن نهاده‏های پرواز 655

بندرعباس

دوبی

ادامه دارد

و تناوری خشم

ادامه دارد

پس

کشتزارهای ایدز را

خواهی خشکاند

آمین

و مثلث‏های متضاد را

که به افترا

ستاره‏ی داوود

نامیده شده‏ست

آمین

آمین (5)

در شعر یاد شده، قابیل نماد شرارت و قساوت، کیپ تاون شهری در آفریقا نماد فقر و فلاکت، می‏لای شهری در ویتنام که اهالی آن به وسیله ارتش آمریکا قتل عام شدند، سمبل بی‏گناهی و کشتار و مثلث‏های متضاد نماد رژیم اشغالگر قدس است.

بیشترین تأثیرپذیری در شعر دفاع مقدس تأثیرپذیری از وقایع تاریخی و کشتار بیرحمانه مسلمانان در قرن اخیر است و لذا شاعران شعر دفاع مقدس نمادهای شعری خود را از این وقایع علی‏الخصوص حادثه اشغال فلسطین، شکنجه، زندانی شدن، آوارگی و شهادت فلسطینیان برگزیده‏اند و از تقارب اندیشه‏ها و تجانس فرهنگها و آیین مشترک و تمایل سرایندگان به سمبول‏های غیروطنی، پاره‏ای از مفاهیم غیرشاعرانه در حوزه مفاهیم سیاسی، جغرافیایی و تاریخی از قبیل: زیتون، چفیه، سیم خاردار، یاسین، بیت‏لحم، صلاح‏الدین ایوبی و... وارد شعر سپید مقاومت شدند و درکنار نمادهای دیگر جنگ تحمیلی، زنجیره‏ای از مفاهیم پرمعنا و ژرف را پدید آوردند. در شعر مقدس، گاه نمادها به دلایلی چون تکرار و صراحت از حد یک نماد بالاتر رفته، کم‏کم به نشانه‏های معنادار تبدیل شدند. مثلاً: پلاک، نشانه‏ای برای مفقودالاثرها، ویلچر، نشانه جانبازان و چفیه، نشانه رزمنده بودن است.

منابع:

1- شعر شهادت، واحد روابط عمومی و بین‏الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، تابستان 1367، شعر از حسین اسرافیلی، صص 15 و 16.

2- نمادگرایی در ادبیات نمایشی، دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، جلد دوم، انتشارات برگ، تهران: چاپ اول 1367، ص 372.

3- کلیات شمس تبریزی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، موءسسه امیرکبیر، تهران، 1381 ص 286 - 285.

4- دستچین، علی موسوی گرمارودی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1368، ص 244.

5- بهشت همین جا بود، فرامرز محمدی، حوزه هنری، تهران، 1378، ص55-54 از م. موءید.